



خوش‌فر، غلامرضا و محمدی‌نیا، معصومه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در نهاد خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی (مورد مطالعه: خانواده‌های ساکن شهر گرگان). فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۳)، ۹۵-۱۲۹.

بررسی رابطه بین ساختار قدرت در نهاد خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی (مورد مطالعه: خانواده‌های ساکن شهر گرگان)

غلامرضا خوش‌فر^۱ و معصومه محمدی‌نیا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۸

چکیده

هدف این مطالعه شناخت تأثیر ساختار قدرت در نهاد خانواده بر نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی شهروندان شهر گرگان بوده است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن را کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن شهر گرگان تشکیل دادند. از میان آنها ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه بر اساس توزیع نقشه‌ی حوزه بلوک‌های شهری در ۴۰ بلوک با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج نشان داد که ابعاد نگرش مردم نسبت به سبک زندگی اسلامی: بعد شناختی ۴/۴۵ از ۵؛ بعد عاطفی ۴/۳۰ از ۵ و بعد رفتاری ۴/۲۲ از ۵ می‌باشد. بررسی رابطه بین ساختار توزیع قدرت در خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی حاکی از آن است که از یک طرف حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده ارتباط معناداری با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی ندارد و از طرف دیگر، بین شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی، رابطه مثبت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: حوزه‌ی توزیع قدرت؛ ساختار قدرت در نهاد خانواده؛ گرگان؛ نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان (نویسنده مسوول)، khoshfar@gmail.com

۲- طلبه‌ی علوم حوزوی، سطح ۳، حوزه‌ی علمیه‌ی الزهرا (س) گرگان، m.mn.1329@gmail.com

طرح مسأله

ازمهمترین عوامل مؤثر در فرهنگ و استمرار سنت ها در طول سده های طولانی، سبک زندگی اعضای جامعه است که به سنن و آداب و رسوم کهن اجتماعی معنا و محتوا می بخشد. سبک زندگی موجب زنده شدن باورها و اعتقادات سنتی و فرهنگ جامعه می شود. سبک و شیوه زندگی جوامع، نوع جهان بینی و فلسفه و فرهنگ حاکم بر آن جامعه را نشان می دهد. سبک زندگی افراد بیانگر دیدگاه، اعتقاد و باور آنان نسبت به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. شیوه و روش های زندگی مهمترین بخش از شخصیت و حیات اجتماعی افراد را تشکیل می دهند. سبک زندگی به اصول و مسائلی که متن و بطن حیات اجتماع و انسان را شکل می دهد، اطلاق می گردد که از ارزش های دینی و عرفی جامعه الهام می گیرد. شیوه سلوک اسلامی و بومی، مقدمه ای برای رسیدن به پیشرفت و توسعه اسلامی است.

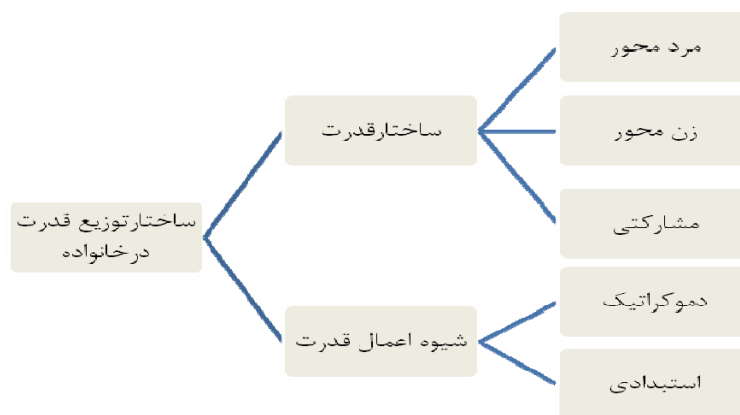
به لحاظ اهمیت سبک زندگی همواره دشمنان هر جامعه ای با تغییر نگرشها و سبک زندگی افراد درصدد تسلط بر آن جامعه هستند. در جهان امروزی با وجود تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی استکبار جهانی؛ پایبندی به شیوه زندگی، اصلی مهم می باشد. نفوذ نوع و شیوه زندگی غربی، مهمترین عامل حفظ نظام سلطه غرب بر کشورهای در حال توسعه محسوب می شود. یکی از شیوه های نوین استعمار، تهاجم به سبک و شیوه زندگی در جوامع اسلامی است تا از طریق تغییر نوع و سبک زندگی، زمینه برای تسلط اقتصادی و سیاسی فراهم گردد. تغییر سبک زندگی معمولاً به صورت نامحسوس صورت می گیرد. قبل از تغییر سبک زندگی، نگرش و دیدگاه افراد نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی دگرگون می شود و با تغییر رفتار و جهان بینی فرد، زمینه برای تغییر شیوه زندگی فراهم می شود.

مهمترین مسائل در سبک زندگی شامل نوع معیشت و کسب درآمد، فعالیت های اقتصادی و معیشتی، فرهنگ خانواده مداری، تشکیل خانواده و ازدواج، زندگی با والدین و تشکیل خانواده های هسته ای، شیوه ازدواج و پایبندی به آن یعنی تحمل زندگی و عدم طلاق، نوع پوشش و شیوه ظاهری فرد، پیروی از آداب و رسوم محلی، احترام به بزرگترها و ریش-سفیدها، نوع شهرسازی و ساختمان سازی، شیوه تفریحات و گذران اوقات فراغت، دکورهای مغازه و مسکن، نمای ساختمان ها و بناها و در نهایت نوع کالاهای مصرفی می باشد.

مهمترین بخش سبک زندگی نوع نگرش، احساس رفتار و باورها و ارزش های فردی و اعتقادی را شامل می گردد. از آنجایی که جامعه ما بر نظام دینی و ارزشی تکیه دارد، باید سبک زندگی اجتماعی و فردی بیانگر این اصول و مبانی باشد. آموزه ها و تعالیم اسلام، در باب شیوه

و سبک زندگی مسلمانان احکام و قواعد کاملی دارد که رعایت و پایبندی به این اصول و قوانین لازم و ضروری است.

خانواده مداری و پایبندی به نهاد مقدس خانواده امری است که اسلام آن را مورد تأکید قرار داده است، زیرا خانواده کانونی برای تربیت و تعلیم افراد بوده و می‌تواند آنها را در کنار هم نگه دارد. متلاشی شدن خانواده در جهان غرب، مفسد اخلاقی و ارزشی و اجتماعی فراوانی را به دنبال داشته است. حفظ سبک زندگی اسلامی و پایبندی به آن مهمترین عامل در حفظ فرهنگ و ارزشهای اعتقادی قلمداد می‌شود. جایگاه دین در سبک زندگی و تأثیر آن بر نظام خانواده بسیار مورد توجه قرار گرفته و مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده است. از جمله انصاریان در کتاب نظام تربیت در اسلام (۱۳۷۶) به نقش مهم پدر و مادر در خانواده و تربیت افراد صالح و شایسته در سایه آنها؛ و صانعی در کتاب پژوهشی در تعلیم و تربیت در اسلام (۱۳۷۸) به هدفهای تربیتی اجتماعی و ویژگیهای انسان از نظر تعلیم و تربیت و عامل تشویق و تنبیه در پیشرفت و عدم پیشرفت فرد؛ و مهدوی کنی در کتاب دین و سبک زندگی (۱۳۸۷) به جایگاه دین در سبک زندگی و تأثیر آن بر نظام خانواده و شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام (۱۳۸۸) به عوامل مهم در تربیت از جمله عبادت، تفکر، جهاد، ازدواج، کار، محبت و ... اشاره نموده اند. از آنجا که نهاد خانواده و ساختار توزیع قدرت در آن به عنوان متغیر مستقل مهم در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، لذا ابعاد و مؤلفه‌های آن به شرح شکل ذیل نشان داده می‌شود.



شکل ۱: ساختار توزیع قدرت در خانواده، ابعاد و مؤلفه‌های آن

مفهوم ساختار توزیع قدرت در خانواده شامل ۲ بعد اصلی می‌گردد. اول حوزه‌ی توزیع قدرت (شیوه‌ی تصمیم‌گیری در خانواده) که به سه مؤلفه قابل تفکیک است: ۱- مرد محور بودن حوزه‌ی قدرت؛ ۲- زن محور بودن حوزه‌ی قدرت؛ ۳- مشارکتی بودن حوزه‌ی قدرت در خانواده.

دوم شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده که به دو مؤلفه قابل تفکیک می‌باشد: ۱- دموکراتیک بودن شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده؛ ۲- استبدادی بودن شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده.

با مروری بر مطالعات انجام شده پیرامون سبک زندگی دینی، مشخص گردید که نویسندگان بیشتر تأکید بر تعریف و اهداف سبک زندگی دینی داشته‌اند و کمتر به بررسی نگرش شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی و اثرات ساختار قدرت در خانواده بر آن پرداخته‌اند. با عنایت به مطالب فوق و خلاء پژوهشی که در این زمینه وجود دارد، در این مطالعه تلاش می‌گردد تا ضمن بررسی نگرش شهروندان در سه بعد شناختی، احساسی و رفتاری نسبت به سبک زندگی اسلامی، چگونگی تأثیر نحوه‌ی توزیع قدرت در ساختار خانواده نیز بر آن مشخص گردد. به عبارت دیگر سوال‌های اساسی تحقیق این است که؛ ۱. نگرش شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی چگونه است؟ ۲. ساختار قدرت در خانواده (ساخت متقارن و نامتقارن اعمال قدرت)، و حوزه‌ی قدرت در خانواده (مرد محور، زن محور و مشارکتی بودن توزیع قدرت) چه ارتباطی با نگرش شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از مهمترین چالش‌هایی که ادیان در جهان معاصر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند تعامل با تحولات سریع فرهنگی و اجتماعی است، بخصوص آنچه نوگرایی و دست‌آوردهای آن خوانده می‌شود. ادیان مختلف همواره در پی نقشی که دین در فرآیند تحولات نوین داشته و دارد، هستند. از این رو می‌توان گفت بررسی تلاشهایی که مؤمنان اعم از مجتهدان و مقلدان در تطبیق آموزه‌های اسلامی با مقتضیات متحول فرهنگی، اجتماعی انجام داده‌اند و همچنین قانونمند کردن این تلاشها از سوی علما، نه تنها دین را قادر می‌سازد تا عرف را به صورت پدیده‌ای تاریخی و منحصر به فرد در آورد، بلکه امور نسبتاً قانونمندی را مبنای کار خود قرار داده و یکی از پایه‌های استنباط خود را اتقان و عمق می‌بخشد و از سوی دیگر محققان علوم اجتماعی را تا حدودی قادر می‌سازد تا به تبیین بهتر تحولات فرهنگی، اجتماعی و پیش‌بینی آینده آن در محدوده جامعه اسلامی بپردازند.

یکی از بهترین سبک‌های زندگی، سبک زندگی نشأت گرفته از اسلام است؛ که در پی آن امنیت در جامعه و آرامش روحی و روانی افراد را به ارمغان می‌آورد؛ زندگی که در آن صلح و صفا بر کدورت، راستی بر دروغ، اعتماد بر سوءظن، مهر و معرفت بر کینه توزی، رعایت انصاف بر تعدی و اجحاف، همدلی بر تحکم، ادای وظیفه بر رفع تکلیف مقدم می‌باشد؛ در واقع اگر سبک زندگی اسلامی مطابق با آیین اسلام در جامعه پیاده شود مانع از نفوذ فرهنگ و تمدن غربی در جامعه می‌شود و زمینه‌های ظهور و تشکیل حکومت مهدوی را فراهم می‌کند، لذا برای رسیدن به این امور باید در عصر حاضر دستورات و متون دینی را نهادینه و کاربردی کرد. علاوه بر این با عنایت به اینکه ساختار توزیع قدرت در خانواده و متقارن یا نامتقارن بودن قدرت و نیز مرد محور، زن محور و یا مشارکتی بودن حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده اثرات بی‌شائبه‌ای بر نگرش افراد جامعه نسبت به سبک زندگی اسلامی دارد، لذا پژوهش علمی در این خصوص و یافتن راهکارهایی برای تقویت نگرش شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی، از ضرورت و اهمیت فوق‌العاده بالایی برخوردار است.

اهداف تحقیق

الف) هدف کلی

۱. شناخت رابطه بین ساختار توزیع قدرت در خانواده (دموکراتیک و استبدادی) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی.
۲. شناخت رابطه بین حوزه‌ی اعمال قدرت در خانواده (مرد محور، زن محور و مشارکتی) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی.
۳. شناسایی رابطه متغیرها و عوامل فردی و اجتماعی با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی.
۴. ارائه راهکارهایی بر اساس نتیجه‌ی تحقیق.

ب) اهداف ویژه

۱. شناسایی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده (دموکراتیک و استبدادی) با نگرش به سبک زندگی اسلامی.
۲. شناسایی رابطه حوزه‌ی اعمال قدرت در خانواده (مرد محور، زن محور و مشارکتی) با نگرش به سبک زندگی اسلامی.
۳. شناسایی رابطه عوامل اجتماعی-جمعیتی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، و...) با نگرش به سبک زندگی اسلامی.

۴. شناسایی رابطه میزان متوسط هزینه های زندگی با نگرش به سبک زندگی اسلامی.
۵. شناسایی رابطه اعتماد اجتماعی با نگرش به سبک زندگی اسلامی.
۶. شناسایی رابطه مصرف رسانه ای با نگرش به سبک زندگی اسلامی.

پیشینه تجربی تحقیق

در یک تقسیم بندی ساده می توان تحقیقات صورت گرفته در زمینه ساختار قدرت در خانواده و نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی را در دو دسته گنجانند. دسته اول دربرگیرنده تحقیقاتی است که توسط محققان داخلی صورت گرفته است. و دسته دوم تحقیقاتی را شامل می شود که توسط محققان خارجی انجام شده است. در این قسمت به شرح خلاصه ای از نتایج این تحقیقات می پردازیم:

پیشینه مربوط به ساختار قدرت در خانواده

مطالعات داخل کشور

احمدی آهنگ (۱۳۹۱) در پایان نامه خود با عنوان: «بررسی تأثیر ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق روستایی و شهری (مورد مقایسه: مناطق روستایی و شهری آمل)»، بیان می دارد که؛ مشارکت اجتماعی یکی از نیازهای اصلی جامعه بشری در عصر حاضر است. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) می باشد. چارچوب نظری تحقیق بر مبنای ترکیبی از نظریه منابع و نظریه اینگلهارت در باره مشارکت اجتماعی شکل گرفته است. روش پژوهش در این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و برای جمع آوری داده های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه و مصاحبه حضوری استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه افرادی که در شهرستان آمل سکونت دارند. حجم نمونه ۳۸۶ نفر و شیوه نمونه گیری نیز خوشه ای چند مرحله ای می باشد. یافته های پژوهش نشان می دهد که تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی در شهر و روستا و در بین متأهلان و مجردان معنادار می باشد. همچنین میانگین مشارکت اجتماعی رسمی در بین مردان بیشتر از زنان می باشد. همچنین بین دموکراتیک بودن خانواده و استبدادگرا بودن خانواده با میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که بیشترین تأثیر بر مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی را به ترتیب دموکراتیک بودن خانواده و نحوه اجتماعی شدن دارد.

قبادی و نیازی (۱۳۸۹)، در مقاله خود تحت عنوان «رابطه شیوه‌های تربیتی استبدادی و اقناع-گرایانه والدین و میزان فعالیت و مشارکت اجتماعی» به بررسی شیوه‌های تربیتی استبدادی و اقناع‌گرایانه در خانواده و تأثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی اجتماعی بوده و محقق برای گردآوری اطلاعات تحقیق از ابزار پرسشنامه توأم با مصاحبه استفاده کرده است. جامعه آماری این تحقیق شهر کاشان و با حجم نمونه ۵۰۰ نفر بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان اقناع‌گرایی افراد خانواده بیشتر باشد و والدین در شیوه‌های تربیتی خود بیشتر از روش‌های اقناع‌گرایانه استفاده نمایند، میزان مشارکت اجتماعی افراد بیشتر خواهد شد. همچنین بین میزان استبدادگرایی خانواده افراد و میزان مشارکت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش میزان استبدادگرایی افراد خانواده، میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد.

عباسی (۱۳۸۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر میزان مشارکت مردان در تنظیم خانواده: مطالعه موردی در بین دانشجویان ساکن در خوابگاه متأهلین شهید سلامت» به بررسی و تبیین تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر میزان مشارکت مردان در تنظیم خانواده پرداخته است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه خانواده‌های ساکن در خوابگاه متأهلین شهید سلامت دانشگاه علامه طباطبایی بوده و حجم نمونه این تحقیق ۹۶ زن و ۹۶ مرد بوده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که به هر میزان ویژگی‌های شخصیتی مردان اقتدارطلبانه‌تر باشد، مشارکت آنان در تنظیم خانواده کمتر می‌شود و هر اندازه که تعاریف فرهنگی و اجتماعی از جنسیت از دید مردان سنتی‌تر باشد، از میزان مشارکت مردان در تنظیم خانواده کاسته می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۰).

مهدوی و صبوری خرمشاهی (۱۳۸۲)، در مقاله مشترک خود با عنوان «بررسی ساختار-توزیع قدرت در خانواده» به بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده یعنی وجوه تقارن رابطه، حوزه‌ی قدرت و نحوه‌ی برخورد زن و شوهر، میزان دموکراتیک و غیردموکراتیک بودن توزیع قدرت در خانواده می‌پردازند. روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی و حجم نمونه آن ۲۰۰ نفر بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای تصور مرد از نقش زن و همچنین تصور زن از نقش خود، بیشترین تأثیر را بر کم و کیف دموکراتیک بودن خانواده داشته است. این امر بدان معنا است که باورهای فرهنگی که از طریق جامعه‌پذیری به‌وسیله‌ی خانواده‌ها به افراد منتقل می‌شود، بعدها به طور ناخواسته‌ای منجر به استبدادی یا دموکراتیک شدن ساختار خانواده‌های آینده خواهد شد. همچنین ساختار قدرت در خانواده‌های جنوب شهر

غیردموکراتیک‌تر و در شمال شهر دموکراتیک‌تر بوده است و عواملی نظیر سطح تحصیلات و اشتغال زنان، مشارکت زن در انتخاب همسر، باعث افزایش و متغیرهایی نظیر تصور فرمان‌برانه‌ی زن از نقش خود و تصور اقتدارگرایی شوهر، موجب کاهش دموکراتیزه شدن خانواده می‌گردد (مهدوی و صبوری خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۱۱).

مطالعات خارج کشور

نوستر^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، در مقاله خود تحت عنوان «الزامات پدرخواندگی و رفاه و مشارکت اجتماعی در خانواده‌های محروم از پدر» به بررسی ۲۴۹۴ پدرخوانده از خانواده‌های آسیب‌پذیر به منظور تحلیل چرایی و چگونگی تولد کودک جدید که ممکن است بر رفاه و مشارکت اجتماعی خانواده تأثیر بگذارند، پرداخته‌اند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که تغییر در رفاه، مشارکت مذهبی و ساعات کاری با تعهدات پدرانه رابطه مثبت و معناداری دارد.

سیدانیوس^۲ و ویسیلمیسپنا^۳ (۲۰۰۳)، در مقاله مشترک خود تحت عنوان «ماهیت جنسی ساختار خانواده بر نگرش‌های ضد برابرگرایی گروه محور» به مطالعه‌ی چهار نمونه از نوجوانان سه کشور (استرالیا، سوئد و ایالات متحده) پرداخته‌اند. در این پژوهش اکثر پاسخ-گویان به الگوی مشارکتی یا متقارن تصمیم‌گیری میان والدین خود معتقد بودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، کودکان خانواده‌هایی که با پدر خود تنها زندگی می‌کردند بالاترین میزان ضد مساوات‌طلبی را داشتند و برعکس کودکان خانواده‌هایی که با مادر خود تنها زندگی می‌کردند کمترین میزان ضد مساوات‌طلبی را داشتند. کودکانی که با هر دو والدین زندگی می‌کردند در میانه این طیف قرار می‌گیرند. همچنین در خانواده‌هایی که بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را پدر داشت، میزان ضد مساوات‌طلبی کودکان در بالاترین حد خود بوده و در خانواده‌هایی که مادر بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را داشته میزان ضد مساوات‌طلبی کودکان در حد پایینی بوده است. همچنین ساختار خانواده نمی‌تواند با ملیت و جنسیت کودک رابطه داشته باشد.

1. Knoster et al

2. Gim sidanius

3. Vesilemispena

پیشینه مرتبط با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

مطالعات داخل کشور

کرمی قهی و زادسر (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی» به بررسی موضوع سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن نظیر دین داری افراد پرداخته‌اند. جمعیت آماری، شامل زنان ۲۰ سال به بالای ساکن شهر تهران است که ۳۶۱ نفر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مهمترین دستاورد این پژوهش، به ارتباط بین دینداری و سبک زندگی مربوط است که با کم رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی و رواج انتخاب‌گری فردی در حوزه دین و ترکیب شدن اصول فکری و عقیدتی پاسخگویان، دیگر دین تنها عامل اثرگذار واکنش افراد نسبت به مسائل مختلف اجتماعی نمی‌باشد.

مطالعات خارج کشور

فاضلی (۱۳۸۲) بیان نموده است که، کارتزگرو^۱، در خصوص ارتباط دین و سبک زندگی نشان داده است که در آلمان، اسرائیل و ایتالیا هر قدر که افراد دیندار ترند، کمتر در فعالیت و مصرف فرهنگی متعالی مشارکت می‌کنند، اما در آمریکا و سوئد کاملاً برعکس است وی مطالعه خود را در اسرائیل به صورت جدی- تر تکرار کرده و نتیجه می‌گیرد که تفاوت کاملاً معناداری میان سبک زندگی افراد دیندار و افراد دارای گرایشات سکولاریستی وجود دارد (نصرتی و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

بیتمن^۲ (۱۹۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان «مشارکت اجتماعی و رفاه خانواده: پول و هزینه زمان اوقات فراغت» به بررسی رابطه رفاه خانواده و میزان مشارکت آنها در فعالیت‌هایی مانند اوقات فراغت پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش از نوع تحلیل داده‌های ثانوی بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هرچقدر درآمد خانواده بیشتر باشد میزان مشارکت افراد خانواده در فعالیت‌های اوقات فراغت نیز بیشتر است. یعنی درآمد کم می‌تواند منجر به محرومیت از مشارکت در اوقات فراغت شود. همچنین زمان، یکی از عوامل قدرتمند در میزان مشارکت در اوقات فراغت می‌باشد. در نتیجه هر چقدر رفاه خانواده بیشتر باشد میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر می‌باشد (احمدی آهنگ، ۱۳۹۱: ۱۶).

بررسی نقادانه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های انجام شده در این زمینه ارتباط غیر مستقیم با موضوع و مسأله تحقیق دارند. علاوه بر آن اغلب آنها انسجام لازم

^۱. Cartez Ghero

^۲. Bittman

را نداشته و هماهنگی بین مسأله، سوالات، اهداف و فرضیه ها برقرار نیست. همچنین به لحاظ روش شناسی نیز اشکالاتی مانند جامعه آماری، حجم نمونه، شیوه نمونه گیری و بکارگیری آزمون های آماری وجود دارد. در مجموع پژوهش های انجام شده اغلب به روش کمی انجام شده اند و از غلبه ی آمار و جداول طولانی و در نهایت آمار زندگی رنج می برند.

مبانی نظری تحقیق

با توجه به موضوع مورد مطالعه (رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی) می بایست به بررسی دیدگاه های موجود در زمینه ساختار قدرت در خانواده و نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی پرداخته شود. لذا در این قسمت در دو بخش مبانی نظری تحقیق مورد مطالعه قرار می گیرد. بخش اول به ساختار قدرت در خانواده و بخش دوم به نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی اختصاص می یابد. در انتهای این دو بخش مدل تحلیلی تحقیق طراحی و مشخص می گردد.

نظریه های مرتبط با نگرش نسبت به سبک زندگی

تعریف نگرش

واژه لاتین نگرش^۱ معادل های فارسی متعددی همچون «طرز تلقی»، «وجه نظر»، «باز خورد»، «وضع روانی»، «ایستار» و «نگرش» دارد. ولی اکنون اصطلاح «نگرش» قبول عام یافته و به صورت های مختلف نیز تعریف شده است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۶). در ذیل به برخی از این تعاریف اشاره خواهد شد:

- نگرش به عنوان ارزیابی خلاصه و کوتاه از موضوع تفکر، تعریف شده است (بهنر و وانک،

۱۳۸۴: ۱۷).

- نگرش به عنوان یک نگرش و آمادگی برای پاسخگویی مطلوب یا نامطلوب نسبت به

اشیاء، اشخاص، مفاهیم یا هر چیز دیگر تلقی شده است (آر. میچل، ۱۳۷۳: ۱۹۲).

- نگرش ها، متغیرهای واسط هستند نه موضوعات امور محسوس و ملموس. نگرش ها،

سازه های فرضی هستند که می توان آنها را استنتاج کرد ولی نمی توان آنها را مستقیماً مشاهده کرد (شارع پور، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

^۱. Attitude

از نظر لمبرت^۱ و دیگران (۱۹۶۴) نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروهها، و موضوعات (شارع پور، ۱۳۷۹: ۱۰۳).
اجتماعی یا قدری وسیع تر، هرگونه حادثه ای در محیط فرد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

-نگرش براساس معنای مفهومی اش «در جوامع غربی بیش از صد سال است که بکار برده می‌شود و یکی از مفاهیمی است که دانشمندان علوم اجتماعی آن را مستقیماً از زبان عامیانه گرفته‌اند (وارنر و همکاران، ۱۹۷۳: ۹۱). آلپورت (۱۹۷۳) توضیح داده است که، این واژه به معنی تطبیق، مشتق شده است و یک آمادگی ذهنی را برای یک عمل خاص می‌رساند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۵).

مطابق با نظر روانشناسان اجتماعی، نگرش دارای سه بُعد می باشد:

شناخت: تلاش عمده در این بخش شناسایی ذهنیت افراد و عوامل تأثیرگذار در این ذهنیت می‌باشد و همچنین در این بخش این مسأله مورد شناسایی قرار می‌گیرد، افرادی که اقدام به کنش می‌کنند از نظر ذهنی و عینی چه شناختی نسبت به موضوع کنش دارند.

احساس ناشی از شناخت: در این بخش نوع احساس و رفتارهایی که کنشگران انجام می‌دهند مورد مطالعه قرار می‌گیرد به عبارت دیگر کنشگران چه نوع احساسات و دریافت‌هایی از شناخت‌های موجود دارند.

اقدام به عمل: سومین و مهمترین وجه در نگرش نوع اقدام به عملی است که بر پایه دو بخش فوق، کنشگر انجام می‌دهد. بنابراین براساس دیدگاهها و بخش‌های موجود در نگرش می‌توان موضوع مورد مطالعه را بدین صورت مطرح کرد (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۲).

در یک جمع بندی نهایی، نگرشاز نظر رفیع پور، نوعی واکنش ارزیاب آموخته شده‌ای است که مبتنی بر تمایلات و اعتقادات فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود می‌باشد، نسبتاً بادوام بوده اما خود مستقیم قابل مشاهده نیست ولی به شیوه برانگیزنده‌ای بر رفتار اثر می‌گذارد. عنصر مهم واژه نگرش «عکس‌العمل‌های ارزیابی کننده» است که دانشمندان اخیر بیشتر روی آن تاکید دارند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۷).

مؤلفه‌های نگرش عبارتند از: افکار و عقاید، احساسات یا عواطف و تمایلات رفتاری. محققان در زمینه مؤلفه‌های نگرش نیز اتفاق نظر دارند و برای آن ابعاد شناختی، عاطفی و

^۱. Lambert

رفتاری در نظر می‌گیرند. مولفه‌های عاطفی به هیجان‌های منفی یا مثبت و مولفه‌های رفتاری به نحوه خاصی از کنش فرد و مؤلفه شناختی به فکر و تفسیرهای خاص اشاره دارد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۷۹: ۶). اگرچه این زمینه‌ها از یکدیگر خیلی قابل تفکیک و تمایز نیستند، ولی در عین حال به نظر می‌رسد که در طول تحقیقات علوم اجتماعی دو بعد فکری و احساسی واژه نگرش بیشتر مد نظر قرار گرفته و حتی این دو بعد نیز در یک بعد «ارزیابی» خلاصه شده‌اند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۶).

ویژگی های نگرش

بعد از بیان تعریف نگرش و انتخاب تعریفی مشخص از آن ضرورت دارد که به بررسی ویژگی‌های نگرش پرداخته شود که در سطرهای زیر به اختصار به بررسی این ویژگی‌ها خواهیم پرداخت:

۱. نوعی آمادگی روانی است که به صورت فرافکن قابل ارزیابی و مطالعه می‌باشد.
۲. اکتسابی است و به تدریج بوجود می‌آید؛ زیرا تجربه و آموزش در آن مؤثر است.
۳. نسبتاً پایدار است؛ چون یک نظام است و تغییر آن آسان نیست.
۴. فردی یا گروهی است؛ زیرا در بسیاری از مواقع نگرش ما ناشی از موقعیت‌های گروهی است.
۵. دارای مؤلفه رفتاری است و می‌تواند به صورت هوشیار و ناهوشیار باشد.
۶. مؤلفه‌های نگرش، اعم از اصلی و فرعی، با یکدیگر تعامل دارند: هیچ رفتاری نیست که هر قدر هم عقلانی باشد، واجد عوامل عاطفی به عنوان محرک نباشد و نیز بالعکس نمی‌توان شاهد حالت عاطفی بود مگر اینکه ادراک یا فهم، که ساخت شناختی آن حالت را تشکیل می‌دهد، در آنها مداخله دارد. به همین دلیل موضع‌گیری عاطفی افراد به عنوان متغیری مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد.

مروری بر تحول نظریه‌های نگرش

سنجش نگرش در مورد موضوعات گوناگون (مثلاً نگرش سیاسی، نگرش به یک سازمان، نگرش به محیط زیست و...) محققین را برآن داشته است به اقتضای موضوع و جامعه آماری مورد مطالعه، تغییراتی جزئی در چارچوب تئوریک خود در مورد نگرش بدهند. لذا عده‌ای به ابعاد دیگری از نگرش و یا متغیرهای دیگر نیز اشاره کرده‌اند. در این میان دو اثر برای تحقیق در زمینه نگرش کشاورزان مورد استفاده قرار گرفته است که حائز اهمیت می‌باشد:

زیشه و کرومکا^۱ (۱۹۷۶) در تحقیق مشابهی که درباره نگرش کشاورزان داشته‌اند (بدون آنکه از تئوری‌های نگرش استفاده نمایند) در مورد مساله خاص خود، نگرش را به سه بعد تجزیه می‌کنند و معتقدند که نگرش در رابطه با موضوع آنها دارای سه دسته عناصر است:

- عناصر ادراکی؛

- عناصر ارزشیابانه،

- عناصر عملی و رفتاری .

گاردنر^۲ (۱۹۷۴) هم در آزمون روانشناختی نظریه نلسون گودمن^۳ و هم در آثار متفاوتش درباره کارایی و ارزیابی سازمان‌ها به چند عامل مؤثر بر روی نگرش اشاره می‌کند:

- ارضاء نیاز؛

- تجربه ؛

- رضایت افراد ؛

- میزان دسترسی به اهداف تعیین شده؛

- کارایی بهتر برای حل مساله.

«تجربه» از نظر خانم هروشکا^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نیز عامل مؤثری در پیدایش نگرش می‌باشد. به نظر وی دسترسی به هدف و ارضای نیاز همواره با احساس رضایت، احساس خوشبختی و تجربیات مطبوع همراه است و برعکس عدم ارضاء نیاز با نارضایتی و ارزش‌های احساسی منفی همراه است. این خاطرات همراه با احساس‌های ارزشی آنها در حافظه باقی می‌ماند و آن چیزی را که ما «تجربه» می‌نامیم، می‌سازند. بدین ترتیب است که تکرار تجربه همراه با احساس ارزشی آن بر روی نگرش تأثیر می‌گذارد.

علاوه بر تئوری‌های فوق، تئوری دیگری از گرونبرگ^۵ (۱۹۷۹) به نام تئوری «تسری»^۶ برای این تحقیق مناسب به نظر می‌رسد. براساس این تئوری رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت از بخش‌های دیگر زندگی مؤثر است. مثلاً کسانی که از خانواده خود راضی هستند و یک محیط آرام خانوادگی دارند، ناملایمات شغلی را بهتر تحمل می‌کنند و شغل خود را خیلی منفی ارزیابی نمی‌کنند.

1. Tziche & Kromka

2. Gardner

3. Nelson Goodman's theory

4. Hruschka

5. Gruneberg

6. Spill-Over-Theory

تعریف نگرش در این پژوهش

با توجه به تعاریف مطرح شده، در این پژوهش نگرش اینگونه تعریف می‌شود: نگرش به معنی آمادگی روانی و تمایل افراد (کنشگران) برای اقدام به کنش معطوف به هدف می‌باشد و تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگویی به شیوه ای خاص اطلاق می‌شود. در نهایت نگرش، آمیزه یا نقشی در هم آمیخته از تمایلات رفتاری یک شخص در باره یک چیز، شخص یا گروه، یک واقعه، یک اندیشه، یا واقعیات و امور مشابه دیگر است. که در این پژوهش آن چیز یا پدیده یا مفهوم، «سبک زندگی اسلامی» است. نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی تحت تأثیر ساختار قدرت در این پژوهش بر اساس تعریف سه بُعدی از نگرش یعنی ابعاد سه گانه شناختی، احساسی و رفتاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

حال که مفهوم نگرش تعریف شد و ابعاد سه گانه آن نیز تعیین گردید، به تعریف سبک زندگی اسلامی پرداخته می‌شود:

تعریف‌های سبک زندگی

سبک زندگی تجسم تلاش است برای یافتن ارزش های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی اش و شناساندن آن به دیگران یا به عبارت دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل صورت های رفتاری را بر می‌گزیند. زیمل، توان چنین گزینشی را (سلیقه) و این اشکال به هم مرتبط را (سبک زندگی) می‌نامد. او در جایی دیگر معتقد است سبک زندگی عینیت بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است، نوع بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگران این یکتایی را درک کنند. در نتیجه زیمل در عین پذیرش تمایز میان صورت ها، رفتار های متحمل دار فرهنگی عینی و معنای فردیت برتر صورت ها را برگزیده و نحوه چینش آنها را که همانا سبک باشد در ارتباط با معنا می‌بیند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۱).

وبلن^۱ سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری هستند در جای دیگر سبک زندگی فرد را تجلی ساز و کار روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می‌کند در نتیجه وبلن سبک زندگی را معادل قشر اجتماعی معرفی می‌کند که مرزهای نامشخص موقعیت و قشر اجتماعی را تعیین می‌کند.

^۱. Veblen

کلاکهنون^۱ سبک زندگی را چنین تعریف می‌کند (مجموعه‌ها یا الگوهای خود آگاه و دقیقاً توسعه یافته‌ی ترجیحات در رفتار شخصی مصرف‌کننده) (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۵).

- سبک زندگی مفهومی است که آدلر آن را ابداع کرد ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند: سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند، یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف،... این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوران کودکی فرد است (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۶).

آدلر^۲ در مورد سبک زندگی تعبیر متعددی دارد او می‌گوید سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۳).

- در سبک زندگی اسلامی تنها عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد هم مورد سنجش قرار می‌گیرد، اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی و ... فقط به رفتار نگاه می‌شود اما در اسلام در عین تأکید روی رفتار به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد.

- سبک زندگی هر چیزی است که متن و جوهره زندگی انسان را تشکیل می‌دهد در واقع باید نوع آن را همان فرهنگی دانست که مردم بر اساس آن زندگی می‌کنند. نظیر خانواده، آداب و رسوم ازدواج، نوع لباس، تفریحات، الگوی مصرف کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی و هر چه که در اثر نگاه افراد به زندگی و تعریفشان از اهداف خود به وجود می‌آید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی (سبک زندگی) را بخش اساسی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم و مهم آسیب‌شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره‌جویی در این زمینه تأکید کردند. پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که تعداد ابزار تمدن اسلامی را شکل می‌دهد، وسیله‌ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت (بار احمدی خراسانی، ۱۳۹۲: ۱).

^۱. Colahcon

^۲. Adler

مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی از نظر دانشمندان مختلف بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که آن‌ها برای سبک زندگی برشمرده‌اند و یا در تحقیقات خود از آنها به عنوان شاخص بهره برداری کرده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه‌ها اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند پس مواردی که از سوی محققان به عنوان عوامل مؤثر بر سبک زندگی پیشنهاد شده از قبیل درآمد، تحصیلات به عنوان مؤلفه در نظر گرفته نشده است. آدلر (۱۹۵۶) در خصوص این موضوع تشریح نموده است که، گُردن^۱ در جمع‌بندی خود چند عامل مهم را در مطالعه سبک زندگی بر می‌شمرد: الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌ها، و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقمندی در فرهنگ، مانند امور جنسی، عقلانیت بین خانواده، میهن پرستی، آموزش هنرها و ورزش‌ها. پارسونز در کتاب مشهور خود «نظام اجتماعی» جنبه‌هایی از سبک زندگی را مطرح می‌کند که ناشی از فناوری مدرن است و در آن روزها سبک زندگی افراد (به خصوص خانواده‌ها) را نشان می‌داده است مواردی مثل خودروهای خانواده، یخچال، ماشین لباسشویی و تلویزیون. آدلر، کنش، تخیل و رویا را یکی از تجلیات سبک زندگی و امتداد آن را در آینده می‌دید و با همین مبنا در میان آنها به دنبال مسیر زندگی فردی بوده. تخیل به گونه‌ای آشکار در نیروی خلاقانه‌ای که مسئول شکل‌دهی به سبک زندگی کودکانه است، مشارکت دارد و خود نیز بر اساس سبک زندگی هدایت می‌شود او از سه نوع سبک زندگی یاد می‌کند که از سه نوع فرآیند جبران ناشی می‌شود: جبران طبیعی، گریز (ناکامی) و مضاعف (اشتهاقی یا خیالی) (منظور، ۱۳۷۱: ۶۰).

نظریه پردازان معاصر

یکی از مهم‌ترین کارها درباره سبک زندگی تحقیق لوید وارنر و پل لونت به نام یانکی سیتی است. این تحقیق نشان می‌داد که پدیده سبک زندگی واقعی است و طبقات مختلف، سبک‌های زندگی مختلفی دارند و مهم تر آنکه سبک زندگی عامل تعیین کننده‌ای برای تمایز طبقاتی است.

برون^۲ معتقد است شغل بخش عمده زندگی را تشکیل می‌دهد و اصلی ترین چیزی است که سبک زندگی را تعیین می‌کند و در جوامع نو، که به خاطر وسعت افراد همدیگر را نمی

^۱. Gordon

^۲. Brown

شناسند، عواملی مانند شغل، می‌تواند رتبه و شأن فرد را بازگو کند (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

مدل مفهومی تحقیق

مفهوم سبک زندگی اسلامی بر اساس مطالب فوق (که در مبانی نظری و تجربی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت) و با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره‌ی سبک زندگی، تعریف عملیاتی مورد سنجش قرار گرفته است. ابعاد اصلی سبک زندگی اسلامی بر این اساس عبارتند از ۱۰ مؤلفه که برای سنجش هر یک از آنها سه گویه طراحی گردید. قابل ذکر است که ۱۰ گویه، میزان شناخت سبک زندگی اسلامی؛ ۱۰ گویه میزان احساس سبک زندگی اسلامی و ۱۰ گویه میزان رفتار سبک زندگی را مورد سنجش قرار می‌دهند.

جدول ۱: مدل مفهومی سبک زندگی اسلامی

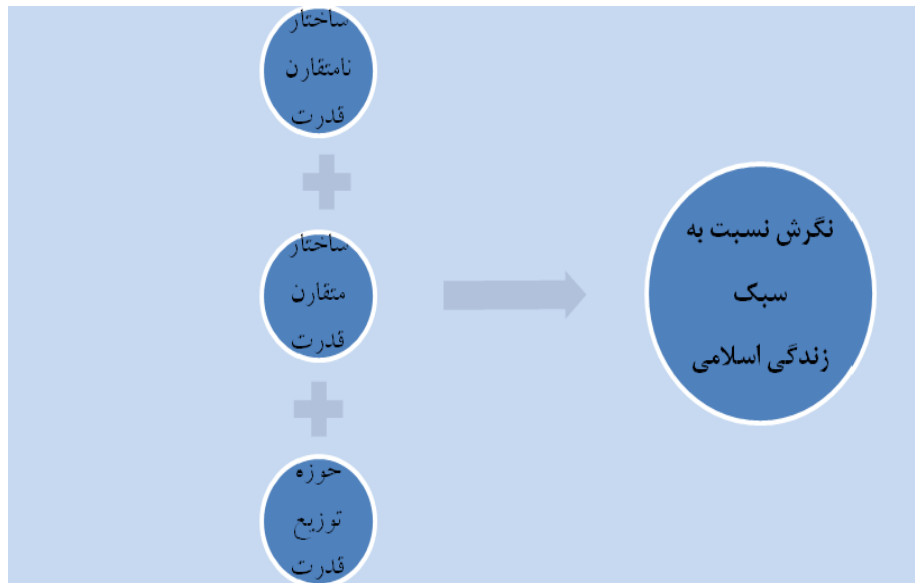
مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	سئوالات
سبک زندگی اسلامی	خانواده	شناختی	به نظر من مشورت کردن در خانواده از اصول اساسی تاکید شده در دین اسلام.
		رفتاری	من معمولاً برای تصمیم‌گیری از مشورت اعضای خانواده‌ام استفاده می‌کنم.
		عاطفی	من دوست دارم برای تصمیمات مهم از خانواده مشورت بگیرم.
	مسکن	شناختی	بر اساس تعالیم اسلامی در ساخت مسکن باید از روشهایی استفاده کرد که در مصرف انرژی صرفه جویی شود.
		رفتاری	بر اساس تعالیم اسلامی من به خاطر احترام به اصل صرفه جویی اسلامی معمولاً لامپ‌های اضافی را خاموش می‌کنم.
		عاطفی	من می‌پسندم که در سر در منزلمان عبارت جلاله «بسم الرحمن الرحیم» نصب شود.
	پوشش، لباس	شناختی	من حدود حجاب اسلامی را می‌دانم.
		رفتاری	من در انتخاب لباس دقت می‌کنم تا کوتاه و تنگ نباشد.
		عاطفی	من دوست دارم لباس بپوشم که ریننده مقام و موقعیت من باشد.

ادامه‌ی جدول ۱: مدل مفهومی سبک زندگی اسلامی

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	سئوالات
سبک زندگی اسلامی	الگوی مصرف	شناختی	به نظر من اسراف نکردن به معنای درست مصرف کردن است نه کم مصرف کردن.
		رفتاری	هنگام مسواک زدن شیر آب را می بندم.
		عاطفی	من دوست دارم در مصرف انرژی، اصل صرفه جویی را رعایت کنم.
خوراک		شناختی	من معتقدم قبل از سیر شدن باید از غذا خوردن دست کشید.
		رفتاری	من معمولاً خوردن غذا را با نام خدا شروع می‌کنم.
		عاطفی	من دوست دارم غذا را داغ بخورم.
کسب و کار		شناختی	معتقدم که اگر صبح زود به دنبال کسب روزی حلال بروم، زوق و روزیم زیاد می‌شود.
		رفتاری	کاری را انتخاب می‌کنم که در آمدآن کاملاً از راه حلال باشد
		عاطفی	در انتخاب شغل خود و اعضای خانواده ام به معیارهای دینی از جمله عدم گرایش به ایجاد انحراف در شغل اهمیت می‌دهم
ورزش		شناختی	بر اساس تعالیم اسلامی ورزش از عوامل شادی روح و جان است.
		رفتاری	من تلاش می‌کنم تیر اندازی و شنا را به فرزندانم آموزش دهم؛ چون از سفارشات دین اسلام است.
		عاطفی	من معتقدم که ورزش غالباً با اخلاق همراه است.
اوقات فراغت		شناختی	بر اساس آموزه‌های دینی من معتقدم که هر فرد باید برنامه ریزی مشخص برای پر کردن اوقات فراغت خود داشته باشد.
		رفتاری	من در اوقات فراغت سعی می‌کنم به دیدار خویشان بروم و صله رحم را به جا آورم.
		عاطفی	من دوست دارم در هر سفری که می‌روم برای دوستان و خویشاوندان سوغات بیاورم.
رفتار دیگران با		شناختی	بر اساس تعالیم اسلامی در رفتار باید به گونه‌ای بود که طرف مقابل احساس نکند که او را مسخره می‌کنیم.
		رفتاری	من در اوقات فراغت سعی می‌کنم به دیدار خویشان بروم و صله رحم را به جا آورم.
		عاطفی	من دوست دارم با همسایگان طوری رفتار کنیم تا از من راضی باشند

ادامه‌ی جدول ۱: مدل مفهومی سبک زندگی اسلامی

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	سئوالات
سبک زندگی اسلامی	بهداشت	شناختی	بنیان اسلام بر نظافت و بهداشت برای تک‌تک افراد جامعه بنا شده است به طوری که پاکیزگی از نشانه‌های ایمان است.
		رفتاری	من بعد از غذا خوردن از نخ دندان برای تمیز کردن دندان‌هایم استفاده می‌کنم
		عاطفی	من دوست درم از لباس تمیز و عطر خوش بو استفاده می‌کنم



شکل ۲: مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌ها

۱. بین ساختار متقارن قدرت در خانواده (دموکراتیک) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. بین ساختار نامتقارن قدرت در خانواده (مستبدانه) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه معکوس وجود دارد.

۳. بین حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده (مرد محور، زن محور، مشارکتی) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی - پیمایشی^۱ و همبستگی است. توصیفی از آن جهت که یافته‌ها به همان صورت که جمع آوری شده اند، بدون هیچگونه دستکاری توصیف می‌گردند. جامعه‌ی آماری در این تحقیق کلیه شهروندان ۱۵ سال و بیشتر ساکن در شهر گرگان می‌باشند. حجم نمونه مطابق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد؛ که جهت اطمینان بیشتر ۴۰۰ نفر تعیین می‌گردد. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی طبقه‌ای (متناسب با توزیع جمعیت در ۴۰ محله شهر گرگان) و انتخاب نمونه‌ها در بلوک‌های شهری به روش سیستماتیک بوده است؛ به طوری که از هر یک از ۴۰ محله شهر ۱۰ نفر با استفاده از روش سیستماتیک انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و سوابق موضوع تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و در بخش تحقیق پیمایشی، اطلاعات از طریق پرسشنامه و به روش میدانی گردآوری شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

جمع آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه‌هایی بود که توسط محقق تهیه گردیده است. پرسشنامه حاوی ۶۹ سوال بوده و افراد گزینه مورد نظر خود را از میان ۵ گزینه موجود مشخص می‌نمودند. پرسشنامه به سه بخش تقسیم شده است. سوالات زمینه‌ای، سوالات سنجش ساختار توزیع قدرت در خانواده و سوالات سنجش نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی.

متغیرهای تحقیق

در این تحقیق ساختار توزیع قدرت در خانواده متغیر مستقل اصلی و اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، و ...، متغیرهای مستقل فرعی می‌باشند. همچنین متغیرهای زمینه‌ای در زمره‌ی متغیرهای مستقل قرار می‌گیرند و نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی متغیر وابسته است.

^۱. Survey

پایایی نگرش نسبت به سبک زندگی

پایایی نشان دهنده میزان همبستگی بین گویه‌های یک مفهوم می‌باشد و در مجموع گویای فهم و درک یکسان پاسخگویان نسبت به سؤالات پرسش‌نامه است در این تحقیق برای سنجش میزان پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول ذیل میزان ضریب آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد:

جدول ۲: میزان ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	تعداد آیتم	میزان ضریب آلفای کرونباخ
۱	شناخت نسبت به سبک زندگی اسلامی	۱۰	۰/۷۸۱
۲	احساس نسبت به سبک زندگی اسلامی	۱۰	۰/۶۲۰
۳	رفتار نسبت به سبک زندگی اسلامی	۱۰	۰/۷۴۳
۴	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	۳۰	۰/۷۱۲
۵	حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده	۷	۰/۸۰۶
۶	میزان حاکمیت جو استبدادی در خانواده	۷	۰/۷۷۱
۷	میزان حاکمیت جو دموکراسی در خانواده	۶	۰/۷۹۰

میزان پایایی سؤالات مربوط به سنجش هر یک از مفاهیم اساسی تحقیق در حد قابل قبولی وجود دارد.

اعتبار ابزار سنجش (پرسشنامه) در مطالعه‌ی حاضر با استفاده از روش اعتبار محتوایی از نوع اعتبار صوری^۱ مورد تأیید متخصصان قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم اصلی تحقیق

ساختار قدرت در خانواده:

ساختار قدرت در خانواده براساس دو محور: ۱- حوزه‌ی قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، که منتج به مرد محوری و زن محوری و نیز مشارکتی بودن تصمیمات خانواده در امور مهم و انتخاب‌های اصلی مانند: ازدواج فرزندان، خرید مسکن، خرید اتومبیل و ... می‌شود؛ ۲- نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده که منتج به فضای استبدادی یا فضای دموکراتیک می‌شود، مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

^۱. Face Validitty

نگرش:

نگرش به معنی آمادگی روانی و تمایل افراد (کنشگران) برای اقدام به کنش معطوف به هدف می‌باشد و تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگویی به شیوه ای خاص اطلاق می‌شود. نگرش از سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل شده است.

سبک زندگی اسلامی:

سبک زندگی اسلامی به تمامی اصول و مسائلی که متن و بطن حیات اجتماع و انسان مسلمان را شکل می‌دهد، اطلاق می‌گردد که از ارزش های دین اسلام و عرف جامعه اسلامی الهام می‌گیرد. مصادیق سبک زندگی اسلامی در این مطالعه، بر اساس دیدگاههای مقام معظم رهبری شامل ۱۰ مؤلفه به شرح ذیل است:

۱- خانواده، ۲- مسکن، ۳- پوشش، ۴- الگوی مصرف، ۵- خوراک، ۶- کسب و کار، ۷- ورزش، ۸- اوقات فراغت ۹- رفتار با دیگران، ۱۰- بهداشت.

در این قسمت داده های تحقیق مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است. ابتدا متغیرهای زمینه ای توصیف می‌شوند و سپس متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه پس از توصیف داده ها، به تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق پرداخته می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد فراوانی، جداول و نمودار های توزیع فراوانی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه ها از آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، مقایسه میانگین ها برای دو گروه مستقل مانند جنسیت (t-test)، مقایسه میانگین ها برای سه گروه مستقل و بیشتر مانند شغل (ANOVA)، با بکار گیری نرم افزار Spss استفاده شده است.

توصیف متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق

۱- ب) متغیرهای مستقل

اعتماد اجتماعی

مصرف رسانه ای

ساختار قدرت در خانواده

میزان مرد سالاری

میزان جو استبدادی در خانواده

میزان جو دموکراسی در خانواده



۱- ب) متغیر وابسته

در این تحقیق متغیر وابسته، نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی است به سه بعد شناختی، احساسی و رفتاری تقسیم شده است.

جدول ۳: گزارش توصیفی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

میانگین نگرش	میانگین ابعاد	میانگین گویه	گویه	بُعد	مفهوم
۴/۳۲۵	۴/۴۵۴	۴/۵۱۰	به نظر من مشورت کردن در خانواده از اصول اساسی تاکید شده در دین اسلام.	تعلیمی	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی
		۴/۴۷۳	بر اساس تعالیم اسلامی در ساخت مسکن باید از روش هایی استفاده کرد که درمصرف انرژی صرفه جویی شود.		
		۴/۱۹۳	من حدود حجاب اسلامی را می دانم.		
		۴/۴۵۳	به نظر من اسراف نکردن به معنای درست مصرف کردن است نه کم مصرف کردن		
		۴/۱۶۲	من معتقدم قبل از سیر شدن باید از غذا خوردن دست کشید .		
		۴/۶۳۳	معتقدم که اگر صبح زود به دنبال کسب روزی حلال بروم، رزق و روزیم زیاد می شود .		
		۴/۵۳۵	بر اساس تعالیم اسلامی ورزش از عوامل شادی روح و جان است.		
		۴/۲۳۳	بر اساس آموزه های دینی من معتقدم که هر فرد باید برنامه ریزی مشخص برای پر کردن اوقات فراغت خود داشته باشد.		
		۴/۶۴۷	بر اساس تعالیم اسلامی در رفتار باید به گونه ای بود که طرف مقابل احساس نکند که او را مسخره می کنیم .		
		۴/۷۰۶	بنیان اسلام بر نظافت و بهداشت برای تک تک افراد جامعه بنا شده است به طوری که پاکیزگی از نشانه های ایمان است.		

ادامه‌ی جدول ۳: گزارش توصیفی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

میانگین نگرش	میانگین ابعاد	میانگین گویه	گویه	بُعد	مفهوم
	۴/۳۰۲	۴/۴۳۴	من دوست دارم برای تصمیمات مهم از از از خانواده مشورت بگیرم.	احساسی	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی
		۴/۲۲۴	من می پسندم که در سر در منزلمان عبارت جلاله «بسم الرحمن الرحیم» نصب شود.		
		۴/۵۰۱	من دوست دارم لباس بپوشم که زینده مقام و موقعیت من باشد.		
		۴/۵۳۰	من دوست دارم در مصرف انرژی اصل صرفه جویی را رعایت کنم.		
		۲/۶۲۷	من دوست دارم غذا را داغ داغ بخورم.		
		۴/۴۵۶	در انتخاب شغل خود و اعضای خانواده ام به معیار های دینی از جمله عدم گرایش به ایجاد انحراف در شغل اهمیت می دهم.		
		۴/۳۲۳	من معتقدم که ورزش غالباً با اخلاق همراه است.		
		۳/۶۷۳	من دوست دارم در هر سفری که می‌روم برای دوستان و خویشاوندان سوغات بیاورم.		
		۴/۶۸۳	من دوست دارم با همسایگان طوری رفتار کنیم تا از من راضی باشند.		
		۴/۵۷۶	من دوست دارم از لباس تمیز و عطر خوش بو استفاده کنم.		
	۴/۲۲۱	۴/۳۲۸	من معمولاً برای تصمیم گیری از مشورت اعضای خانواده ام استفاده می‌کنم.	رفتاری	
		۴/۳۰۷	بر اساس تعالیم اسلامی من به خاطر احترام به اصل صرفه جویی اسلامی معمولاً لامپ‌های اضافی را خاموش می‌کنم.		
		۴/۳۲۷	من در انتخاب لباس دقت می‌کنم تا کوتاه و تنگ نباشد.		
	۴/۲۲۱	۴/۲۷۳	هنگام مسواک زدن شیر آب را می بندم	رفتاری	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

توصیف متغیر وابسته

در این تحقیق متغیر وابسته، نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی است که به سه بعدشناختی، احساسی و رفتاری تقسیم شده است.

۱- بعد شناختی (۴۵/۴)

۲- بعد احساسی (۳۰۲/۴)

۳- بعد رفتاری (۲۲۱/۴)

میزان جو استبدادی در خانواده

در شیوه اعمال قدرت از نوع استبدادی پدر یا مادر معمولاً بر فرزندان دیکته می‌کنند و فرزندان در این نوع ساختار حق اظهار نظر ندارد. جدول ذیل توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب میزان استبدادی بودن اعمال قدرت در خانواده نشان می‌دهد:

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان استبدادی بودن اعمال قدرت در خانواده

میانگین	توزیع نسبی					گویه‌های مربوط به میزان جو استبدادی در خانواده	ردیف
	کمتر از زیاد	زیاد	متوسط	بسیار کم	بسیار زیاد		
۲/۱۶۴	۵/۴	۶/۵	۲۵/۵	۲۴/۵	۳۸/۲	والدین با یکدیگر و فرزندان بصورت تحکمی برخورد می‌کنند.	۱
۲/۰۵۳	۳/۸	۷/۱	۱۹/۹	۲۸/۸	۴۰/۳	اگر کسی خطایی کند مورد تنبیه قرار می‌گیرد.	۲
۳/۲۰۴	۱۶/۶	۲۴/۱	۳۴/۷	۱۲/۴	۱۲/۲	پدر و مادر همیشه حرف اول و آخر را می‌زنند.	۳
۳/۰۱۵	۱۴/۴	۱۷	۳۹/۷	۱۳/۴	۱۵/۵	حتمی بودن حرف رئیس خانواده	۴
۳/۶۵۹	۲۷/۷	۳۰	۲۹	۷/۲	۶/۲	بچه‌ها باید همیشه از والدین اطاعت کنند.	۵
۲/۹۰۵	۱۵/۶	۱۵/۶	۳۲/۷	۱۵/۹	۲۰/۲	برابری زن و مرد، اما حرف آخر را باید مرد بزند.	۶
۳/۷۹۷	۱۶/۵	۱۹/۸	۳۲/۴	۱۸	۱۳/۴	بچه‌ها نباید خلاف نظر والدین حرف بزنند.	۷
	۱۴/۲۸۵	۱۷/۱۵۷	۳۰/۵۵۷	۱۷/۱۷۱	۲۰/۸۵۷	جمع	۸
میانگین=۲/۹۷۱							

شاخص نشان می‌دهد که میزان استبدادی بودن در خانواده در حد متوسط است (۵/۲/۹۷۱)، کمترین استبداد در تنبیه ۲/۰۵۳ و بیشترین استبداد در اظهار بر خلاف نظر والدین ۳/۷۹۷ می‌باشد.

میزان جو دموکراسی در خانواده

شیوه اعمال قدرت از نوع دموکراتیک در خانواده به معنی مشارکت نسبی برابر والدین و فرزندان در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات می‌باشد. جدول ذیل توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب دموکراتیک بودن در خانواده نشان می‌دهد:

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دموکراتیک بودن توزیع قدرت در خانواده

میانگین	توزیع نسبی					گویه های مربوط به دموکراسی	ردیف
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۴/۰۶۴	۳۹/۲	۳۶/۹	۱۷/۹	۳/۱	۲/۹	در خانواده به همه اجازه داده می‌شود تا نظرشان را بگویند.	۱
۴/۱۳۰	۴۳/۷	۳۵/۳	۱۴/۳	۳/۶	۳/۱	تشویق کردن در فعالیت‌های اجتماعی.	۲
۳/۴۸۷	۲۵/۱	۲۶/۹	۲۹/۳	۸/۸	۹/۸	وجود تشویق و تنبیه در خانواده.	۳
۳/۹۵۱	۳۵/۲	۳۸/۸	۱۷/۳	۳/۳	۵/۴	برخورد منطقی در صورت خطا	۴
۴/۲۰۹	۴۸	۳۲/۴	۱۴/۸	۲/۳	۲/۶	وجود احترام در خانواده	۵
۴/۰۷۵	۴۲/۳	۳۲/۴	۱۸/۷	۳/۸	۲/۸	مسئولیت‌پذیری در خانواده	۶
-	۳۳/۳۵۷	۲۸/۹۵۷	۱۶/۰۴۲	۳/۵۵۷	۳/۸	جمع	۷
میانگین=۳/۹۸۶							

همچنان که میانگین کل داده‌های مربوط به سنجش میزان دموکراتیک بودن توزیع قدرت در خانواده نشان می‌دهد این میزان (۵/۳/۹۸۶) در حد نزدیک به زیاد می‌باشد. کمترین دموکراتیک مربوط به گوئی تشویق و تنبیه ۳/۴۸۶ و بیشترین دموکراتیک مربوط به گوئی احترام در خانواده ۴/۲۰۹ می‌باشد.

جدول ۶: گزارش توصیفی ساختار توزیع قدرت در خانواده

میانگین ابعاد	میانگین گویه	گویه	مؤلفه‌ها	ابعاد	مفهوم
۳/۰۲۸	۲/۱۶۴	عوض کردن منزل	میزان مردسالاری، میزان زن‌سالاری و مشارکتی بودن تصمیمات در خانواده	حوزه‌ی توزیع قدرت	
	۲/۰۵۳	خرید اتومبیل			
	۳/۲۰۴	مدیریت امور مالی خانواده			
	۳/۰۱۵	خرید فرش، یخچال، تلویزیون			
	۳/۶۵۹	دیدوبازدیداقوام			
	۲/۹۰۵	معاشرت باهمسایگان			
۳/۷۹۷	گرفتن مهمانی در منزل				
۲/۹۷۱	۲/۱۶۴	والدین بایکدیگر و فرزندان بصورت تحکمی برخورد می‌کنند.	میزان حاکمیت جو استبدادی در خانواده	شیوه‌ی اعمال قدرت	ساختار توزیع قدرت در خانواده
	۲/۰۵۳	اگر کسی خطایی کند مورد تنبیه قرار می‌گیرد.			
	۳/۲۰۴	پدر و مادر همیشه حرف اول و آخر را می‌زنند			
	۳/۰۱۵	حتمی بودن حرف رئیس خانواده			
	۳/۶۵۹	بچه‌ها باید همیشه از والدین اطاعت کنند.			
	۲/۹۰۵	برابری زن و مرد، اما حرف آخر را باید مرد بزند.			
۳/۷۹۷	بچه‌ها نباید خلاف نظر والدین حرف بزنند.				
۳/۹۸	۴/۰۶۴	در خانواده به همه اجازه داده میشود تا نظرشان را بگویند	میزان حاکمیت جو دموکراسی در خانواده		
	۴/۱۳۰	تشویق کردن در فعالیتهای اجتماعی			
	۴/۴۸۷	وجود تشویق و تنبیه در خانواده			
	۳/۹۵۱	برخورد منطقی در صورت خطا			
	۴/۲۰۹	وجود احترام در خانواده			
۴/۰۷۵	مسئولیت پذیری در خانواده				

رابطه ساختار قدرت در خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی

برای آزمون وجود رابطه بین نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی با متغیرهای توزیع قدرت در خانواده (مرد سالاری...مشارکتی)، فضای استبدادی در خانواده و فضای دموکراتیک در خانواده از تکنیک ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتیجه اجرای آزمون به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۷: خلاصه شاخصهای آماری برای رابطه نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی با

متغیرهای مستقل

ردیف	متغیر وابسته	متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
۱	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۵۵	۰/۳۲۲
	بعد شناختی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۶۰	۰/۲۶۰
	بعد عاطفی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۱۷	۰/۷۵۵
	بعد رفتاری نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۲۳	۰/۶۷۶
۲	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای استبدادی در خانواده (قدرت نامتقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	***۰/۲۵۵	۰/۰۰۰
	بعد شناختی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای استبدادی در خانواده (قدرت نامتقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	***۰/۲۳۴	۰/۰۰۰
	بعد رفتاری نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای استبدادی در خانواده (قدرت نامتقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	***۰/۲۳۱	۰/۰۰۰

ادامه‌ی جدول ۷: خلاصه شاخصهای آماری برای رابطه نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی با متغیرهای مستقل

ردیف	متغیر وابسته	متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
۳	نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای دموکراتیک در خانواده (قدرت متقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۴۲۵	۰/۰۰۰
	بعد شناختی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای دموکراتیک در خانواده (قدرت متقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۳۶۸	۰/۰۰۰
	بعد عاطفی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای دموکراتیک در خانواده (قدرت متقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۳۶۱	۰/۰۰۰
	بعد رفتاری نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی	فضای دموکراتیک در خانواده (قدرت متقارن)	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۳۹۵	۰/۰۰۰

** رابطه در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. * رابطه در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

بر اساس نتایج حاصله در جدول فوق ملاحظه می‌شود حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده (مرد سالاری، زن سالاری و مشارکتی بودن قدرت در خانواده) هیچ ارتباط معناداری با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی ندارد.

بر اساس نتایج محاسبه شده مشخص گردید که ساختار قدرت در خانواده از نوع قدرت نامتقارن (فضای استبدادی حاکم بر خانواده) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه مثبت و معناداری دارد، لکن این رابطه چندان شدید و قوی نیست.

همچنین بر اساس نتایج محاسبه شده مشخص گردید که ساختار قدرت در خانواده از نوع قدرت متقارن (فضای دموکراتیک حاکم بر خانواده) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه مثبت و معناداری دارد. در حالیکه این رابطه ۱/۶ برابر رابطه بین ساختار نامتقارن با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی با ساختار قدرت متقارن رابطه شدیدتر و قوی تری دارد. این نتیجه بیانگر آن است که با افزایش فضای دموکراتیک در خانواده در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی افزایش بیشتری حاصل می‌شود. این واقعیت حاکی از آن است که شیوه-

ی مردم سالاری و حاکمیت فضای دموکراتیک به عنوان الگویی که در سایر نهادهای اجتماعی از جمله نهاد اساسی خانواده کارآیی دارد، با سبک زندگی اسلامی نیز سازگار است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف شناخت تأثیر ساختار قدرت در خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی در میان شهروندان شهر گرگان انجام گردید. در این مطالعه ۴۰۰ نفر از شهروندان مورد مطالعه قرار گرفتند. هر خانواده ای تحت تأثیر سبک و روشی است که در زندگی دارد. با توجه به اینکه خانواده‌های ایرانی گرایش به سبک زندگی اسلامی دارند باید درصد تقویت این سبک زندگی به طور صحیح بوده و سبک زندگی اسلامی را به طور کامل و آنچه در آئین مقدس اسلام بیان شده فراگیرند. از طرفی توزیع نامناسب قدرت در خانواده (چه سهل گیرانه و چه مستبدانه) باعث از هم گسستگی اعضاء خانواده خواهد شد که این خود یک آسیب اجتماعی می‌باشد لذا جامعه باید با کاربرد راهکارهای حمایتی و نظارتی مناسب نسبت به این گونه خانواده‌ها از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نماید.

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهند که:

- توزیع نسبی قدرت در خانواده متعادل است به طوری که حدود نیمی (۴۹/۷ درصد) از خانواده‌ها به صورت مشارکتی تصمیم‌گیری می‌نمایند و در ۲۷/۵ درصد از خانواده‌ها محور تصمیم‌گیری زن می‌باشد؛ در حالیکه در ۲۲/۸ درصد از خانواده‌ها محور تصمیم‌گیری و قدرت در دست مردان است.

- با توجه به نتایج توصیفی بدست آمده؛ میزان استبدادی بودن در خانواده‌های شهر گرگان در حد متوسط است ۲/۹۷۱ از ۵، کمترین نوع استبداد در تنبیه ۲/۰۵۳ و بیشترین نوع استبداد در اظهار نظر بر خلاف نظر والدین ۳/۷۹۷ می‌باشد.

- بر اساس نتایج بدست آمده میانگین کل داده‌های مربوط به سنجش میزان دموکراتیک بودن توزیع قدرت در خانواده‌های شهر گرگان نشان می‌دهد این میزان ۳/۹۸۶ از ۵ در حد نزدیک به زیاد می‌باشد. کمترین دموکراتیک مربوط به گویه تشویق و تنبیه ۳/۴۸۶ و بیشترین دموکراتیک مربوط به گویه احترام در خانواده ۴/۲۰۹ می‌باشد.

- بر اساس نتایج بدست آمده میزان شناخت شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی در حد ۴/۴۵ از ۵ بیش از زیاد می‌باشد.

- بر اساس نتایج بدست آمده میانگین گویه‌های سنجش بعد عاطفی نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی در میان شهروندان شهر گرگان ۴/۲۰۲ از ۵ می‌باشد که به نظر می‌رسد

میزان احساس شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی در حد «زیاد» می‌باشد. عواطف و احساسات مثبت نسبت به پدیده‌ها، امکان ایجاد طرز تلقی‌ها و نگرش‌های مثبت را فراهم می‌نماید. به طریق اولی آگاهی بالا و احساس مثبت نسبت به سبک زندگی اسلامی زمینه‌های رفتار مثبت و رعایت این نوع از سبک زندگی را در میان شهروندان فراهم می‌آورد.

- بر اساس نتایج بدست آمده میانگین نشان می‌دهد به طور متوسط رفتار شهروندان نسبت به سبک زندگی اسلامی در حد ۴/۲۲۱ از ۵ بیش از زیاد می‌باشد.

نتایج تحلیلی تحقیق بدین گونه حاصل شد که:

- رابطه نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی با ساختار قدرت در خانواده نشان می‌دهد که حوزه‌ی توزیع قدرت در خانواده (مرد سالاری، زن سالاری و مشارکتی بودن قدرت در خانواده) هیچ ارتباط معنا داری با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی ندارد. همچنین ساختار قدرت در خانواده از نوع قدرت نامتقارن (فضای استبدادی حاکم بر خانواده) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه مثبت و معناداری دارد. لکن این رابطه چندان شدید و قوی نیست. اما ساختار قدرت در خانواده از نوع قدرت متقارن (فضای دموکراتیک حاکم بر خانواده) با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی رابطه‌ی مثبت قوی‌تر و معناداری دارد. این نتیجه که با بکارگیری روش تحلیل رگرسیونی نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ بیانگر آن است که با افزایش فضای دموکراتیک در خانواده در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی افزایش بیشتری حاصل می‌شود.

در جمع بندی یافته‌ها و نتایج این پژوهش باید گفت که شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده از نوع دموکراتیک قرابت بیشتری با نگرش مثبت نسبت به سبک زندگی اسلامی دارد. نتایج تحلیلی نشان داد که زنان بیشتر از مردان، متولدین روستاها بیشتر از متولدین شهرها و افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد نسبت به سبک زندگی اسلامی نگرش مثبت دارند. همچنین نتایج نشان داد که بین سن و اعتماد اجتماعی با نگرش به سبک زندگی اسلامی رابطه مثبتی وجود دارد درحالی‌که این ارتباط بین سطح تحصیلات با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی منفی است.

هر خانواده‌ای تحت تأثیر سبک و روشی است که در زندگی دارد. با توجه به اینکه خانواده‌های ایرانی گرایش به سبک زندگی اسلامی دارند باید درصدد تقویت این سبک زندگی به طور صحیح بوده و سبک زندگی اسلامی را به طور کامل و آنچه در آئین مقدس اسلام بیان شده فراگیرند. از طرفی توزیع نامناسب قدرت در خانواده (چه سهل گیرانه و چه مستبدانه) باعث از هم گسستگی اعضای خانواده خواهد شد که این خود یک آسیب اجتماعی می‌باشد لذا

جامعه باید با کاربرد راهکارهای حمایتی و نظارتی مناسب نسبت به این گونه خانواده ها از آسیب های اجتماعی جلوگیری نماید.

- بر اساس یافته های بدست آمده از ساختار قدرت در خانواده، حوزه ی توزیع قدرت در خانواده نشان داد که تصمیم گیری مشارکتی، نگرش مثبت تری را نسبت به سبک زندگی اسلامی بدنبال دارد. لذا برای آشنایی خانواده ها با ساختار توزیع قدرت در خانواده و تقویت گرایش به سوی ساختار مشارکتی در حوزه ی قدرت در خانواده، باید از مراکز آموزشی اقدام کرد. رسانه ی ملی در این زمینه نقش کلیدی بر عهده دارد به طوری که می تواند با گنجانیدن مفاهیم تصمیم گیری دموکراتیک و توزیع متقارن قدرت در خانواده در قالب برنامه های هنری و تر کیب آنها با آموزه های دینی، در جهت ترویج سبک زندگی اسلامی قدم های موثری بردارد.

منابع

۱. آذربایجانی، م و دیگران. (۱۳۸۵). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. ناشران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (سمت).
۲. آر.میچل، ترنس. (۱۳۷۳). مردم در سازمانها: زمینه رفتار سازمانی. ترجمه ی دکتر حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد.
۳. احمدی آهنگ. ک. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق روستایی و شهری (مورد مقایسه: مناطق روستایی و شهری آمل). (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران).
۴. انوری، ح. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
۵. بهنر، جرد و وانک، میکائیل. (۱۳۸۴) نگرش ها و تغییر آنها. ترجمه ی علی مهداد. انتشارات جنگل.
۶. دادستان، پ. (۱۳۷۶). آدلر و آدلر نگری. مجله روانشناسی، ۲، ۳۰۹-۳۳۲.
۷. رفیع پور، ف. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی. ناشرمرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۸. شارع پور، م. (۱۳۷۹). جزوه درسی روانشناسی اجتماعی. انتشارات دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
۹. شارع پور، م. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری. (چاپ دوم). تهران: انتشارات سمت.
۱۰. عباسی. ن. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر میزان مشارکت مردان در تنظیم خانواده (مطالعه ی موردی: دانشجویان خوابگاه متأهلین شهید سلامت). (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران).
۱۱. قبادی، م. و محسن نیازی (۱۳۸۹). رابطه شیوه‌های تربیتی استبدادی و اقناع‌گرایانه والدین و میزان فعالیت و مشارکت اجتماعی، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۹، بهار، ۱۲۷-۱۴۸.
۱۲. کاویانی، م. (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: انتشارات پژوهشگاه.
۱۳. کرمی قهی، م ت، و زینب زادسر. (۱۳۹۲) بررسی رابطه دین داری و سبک زندگی، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۱: ۸۵-۱۰۲.
۱۴. کریمی، د. (۱۳۸۷) بررسی ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشگاه قم). رشته جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

۱۵. منظور، م. (۱۳۷۱). احساس کهنتری. دانشگاه تهران.
۱۶. مهدوی کنی، م. (۱۳۷۸). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. مهدوی، م و صبوری خرمشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. *مجله مطالعات زنان*، ۱(۲)، ۲۹-۳۷.
۱۸. نجفی، ح، وهمکاران. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. نصرتی، ش و ابوالفضل ذوالفقاری. (۱۳۹۱). تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی. فصلنامه پژوهشی اجتماعی، ۱۰۴، ۱۰-۳۱.
۲۰. وفادار، ع. (۱۳۸۰). حقوق خانواده. تهران.
۲۱. یاراحمدی خراسانی، م. (۱۳۹۲). مفهوم شناسی بصیرت در مکتب عاشورا، قابل دسترس در سایت مدیریار. آدرس: <http://www.modiryar.com>; تاریخ مراجعه: ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.

22. Bittman, Michael (1996), "Social participation and family welfare: the money and time costs of leisure", *Social Policy Research Centre*, Discussion Paper, No.95. 123-139.
23. Cicognani, Elvira & et al (2011), "Gender differences in youths' political engagement and participation. The role of parents and of adolescents' social and civic participation", *Journal of Adolescence*, v.35, No.3, pp. 561-576.
24. Gardner, H. (1974). A psychological examination of Nelson Goodman's theory of symbols. *The Monist*, 58, 319-326
25. Grunberg, M.M., 1979, understanding job satisfaction, London, mcmilla, p, 125.
26. Knoester, Chris; Petts, Richard J; Eggebeen, David J (2007), "Commitments to Fathering and the Well-Being and Social Participation of New, Disadvantaged Fathers", *Journal of Marriage and Family* 69, 4, pp 991-1004
27. Sidanius, Jim & Peña, Yesilernis (2003), "The Gendered Nature of Family Structure and Group-based Anti-egalitarianism: A Cross-national Analysis", *Journal of Social Psychology*, 143 (2) : 243-51.
28. Trela, James E & Jackson, David J (1979), "Family Life and Community Participation", *Research on Aging*, vol. 1, no. 2, pp. 233-251.

29. Hruschka A., Brewis, D., and A. Wutich. (2011) Vulnerability to Fat Stigma in Women's Everyday Relationships. *Social Science & Medicine*. 73(4):491-497.
30. Ziche, J.; Kromka, F., (1976) "Attitudes, opinions and wishes of part-time farmers with respect to state agricultural extension." *Einstellungen, Meinungen und Wunsche von ebenerwerbsbauern zur staatlichen Landwirtschaftsberatung*: 137